

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

راهکارهای ارائه شده برای رفع تنافی بین واژگان غفلت و اعراض

1) آلوسی می‌گوید؛ متعلق هر دو یکی نیست تا چنین اشکالی پیش آید بلکه اختلاف در متعلق دارند «و هم فی غفلة» یعنی «فی غفلة عن الحساب» از حساب غفلت دارند، «معرضون» یعنی «معرضون عن الآيات و النذر الناطقة بذلك الداعي إلى الايمان المنجى من المهالك» این‌ها از آیات قرآن، معجزات، کتب آسمانی و از دعوت و نصایح انبیاء اعراض کردند.

احتمال مذکور، احتمال قوی شمرده می‌شود و همین احتمال به ذهن ما خطور کرده بود.

2) علامه طباطبائی(ره) می‌فرمایند؛ علت غفلت مردم، اشتغال به دنیا و تمتعات دنیا است و به حدی قلوبشان از حب دنیا پر کرده‌اند که جای خالی برای یاد آخرت و حساب نگذاشته‌اند تا متأثر شوند و بگویند چه کار کنیم گناه نکنیم و کار خوب انجام دهیم تا حساب روز قیامت، حساب خوبی باشد. بلکه فکر و ذهنشان همه‌اش دنیا شده و به حدی مشغول دنیا شده‌اند که اگر اندازشان کنی تا یاد قیامت بیفتند بازهم توجه نمی‌کنند. پس غفلت انسان از شیء، می‌تواند به دو صورت باشد 1. گاهی اوقات انسان از اصل شیء غافل است چون اصلاً تصور نمی‌کند. 2. اما گاهی اوقات انسان تصور شیء می‌کند ولی چون توجه عمیق ندارد و به تعبیر علامه(ره) «کما هو حق» آن شیء را تصور نمی‌کند لذا حالت جدیدی برای نفس ایجاد نمی‌شود تا متأثر شود.

با عنایت بر مطلب مذکور جواب از اشکال معروف این است که: مشرکین یا عموم مردم حساب روز قیامت را آنطور که حقش است توجه ندارند فقط یک تصور اجمالی از حساب دارند بدون اینکه توجه عمیق نمایند، لذا از لوازم حساب که مراقبت از اعمال و کردار و گفتار باشد اعراض می‌کنند و به آنچه که موجب غفلت از آخرت و حساب می‌گردد مشغول می‌شوند.^[1]

بعبارتی ایشان متعلق هر دو واژه را «حساب» می‌داند با این بیان که با توجه اجمالی به حساب، از آن اعراض می‌کنند و از توجه عمیق به حساب غافل می‌شوند. با بیان مذکور «اعراض» با «غفلت» تنافی ندارد تا اشکال وارد باشد.

بررسی کلام علامه

به نظر می‌رسد راه حل مذکور، برخلاف ظاهر آیه شریفه است، آیه شریفه در مقام این است که بفرماید: مردم اصلاً به حساب توجهی ندارند نه اینکه توجه داشته باشند اما از آن اعراض نمایند.

3) زمخشری در کشاف می‌گوید؛ اینکه در آیه شریفه از یک طرف توصیف به غفلت و از سوی دیگر توصیف به اعراض می‌کند

بر اساس این معنا است که این‌ها از حساب غافل‌اند، اصلاً فکر و اندیشه نمی‌کنند که عاقبت‌شان چه خواهد شد؛ با اینکه بر اساس مسئله حسن و قبح عقلی، عقل می‌گوید: «لابد من جزاء للمحسن و المسيء» ولی به عاقبت‌شان فکر نمی‌کنند و زمانی که آیاتی نازل می‌شود یا اندازی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به اینها باید داشته باشد، گوش‌هایشان را می‌بندند و روی می‌گردانند.^[2] پس متعلق «معرضون» با «غفلة» متفاوت است در غفلت متعلق، «حساب» و در معرضون متعلق «آیات و انذار» می‌باشد.

راه حل مذکور روحش به همان کلام آلوسی که به عنوان راه حل نخست ذکر شد بر می‌گردد و از آنجا که آلوسی متأخر از زمخشری است پس از وی گرفته.

علامه طباطبایی (ره) بعد از نقل کلام زمخشری با دقتی که در کلام وی نموده‌اند می‌فرماید بین جواب ایشان و جواب ما فرق وجود دارد زیرا ایشان «اعراض» را در طول «غفلت» قرار داده به این بیان: اینها از حساب و کتاب غافل‌اند و فکر آن نیستند و انبیاء هم که به اینها می‌گویند یک روزی حساب و کتاب و قیامتی هست بیدار شوید روی بر می‌گردانند. پس اول غفلت سپس اعراض صورت می‌گیرد. در حالی که آیه شریفه ظهور در این دارد که هر دو وصف در عرض واحدند: یعنی در همان زمانی که غفلت حاصل می‌شود در همان زمان، اعراض محقق می‌شود.

بررسی کلام علامه طباطبایی

اشکال علامه (ره) به زمخشری وارد نیست، آیه شریفه ظهور در این ندارد که هر دو وصف، در عرض یکدیگراند، همچنین آیه شریفه با ترتب و طولیت هر دو وصف منافاتی ندارد بلکه با ظاهر آیه شریفه هم تناسب دارد و اگر مقصود این باشد که در فرض طولیت باید با «ثم» می‌آمد، پاسخ این است که لزوم ندارد؛ یعنی اگر هم «ثم» نباشد، ظهور ندارد که در عرض یکدیگر قرار بگیرند. پس طبق ظاهر آیه شریفه، قرینه‌ی بر کلام علامه (ره) وجود ندارد و بر اساس کلام زمخشری می‌توان مسئله طولیت را درست کرد.

4) بعضی‌ها قائل‌اند: اعراض در آیه شریفه به معنای «اتساع» است یعنی اتساع در غفلت، غفلتشان اندک نیست بلکه غرق در غفلت‌اند و بی حد و اندازه غافل هستند «مفرطون فیها». نظیر آیه شریفه «فَلَمَّا نَجَّاهُ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ»^[3] که بعضی از مفسرین می‌گویند به معنای اتساع در غفلت است.^[4]

5) راه دیگر برای رفع تنافی، این است که بگوییم: غفلت به معنای اهمال است، نظیر آیه شریفه «وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ»^[5] پس آیه شریفه «و هم فی غفلة» یعنی اینها نسبت به حساب قیامت اهمال دارند. در نتیجه غفلت به معنای اهمال، با اعراض قابل جمع است زیرا اهمال یعنی توجه داشتن ولی نه توجه آنچنانی، بلکه به معنای بی اعتنا بودن است و بی اعتنائی با اعراض سازگاری دارد و خود اعراض یک درجه قوی‌تر از اهمال است.^[6]

علامه طباطبائی (قدس سره) در پاسخ به دو راه اخیر می‌فرمایند: «الوجهان من قبیل الالتزام بما لا یلزم» دو راهی که برای جمع ذکر شد، از قبیل التزام به چیزی است که الزامی ندارد؛ یعنی شاهی ندارد و یک جمع تبرعی است و بکار رفتن غفلت به معنای اهمال، نیاز به قرینه دارد و اگر در بعضی از آیات اعراض به معنای اتساع در غفلت و یا غفلت به معنای اهمال به کار رفته به خاطر وجود قرینه است؛ نظیر آیه شریفه «وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ» ما خلق را رها نمی‌کنیم؛ یعنی خلق را همینطور مهمل قرار نمی‌دهیم.

در مجموع پنج راه برای رفع تنافی ذکر شد و روشنترین راه، این است که بگوییم چون از حیث متعلق اختلاف دارند از این رو

تنافی بینشان وجود ندارد، متعلق «غفلت» حساب است و مردم به آن توجه نمی‌کنند و از آن غافل‌اند و متعلق «معرضون» آیات الهی و انذار انبیاء است که از آن روی گردانند.

غرض از مطرح کردن آیه شریفه مذکور به خاطر این بود که بگوییم دلالت آیه بر اصل مسئله «حساب» تمام است و از آیاتی است که حسابرسی در قیامت را ثابت می‌کند.

نکات بدست آمده از آیه شریفه

1. آیه شریفه مربوط به عموم مردم است نه خصوص مشرکین.

2- آنچه نزدیک است خود حساب است نه وقت حساب که روز قیامت باشد، در نتیجه به مجرد حشر و نشر، حساب شروع می‌شود.

3. حساب «فی علم الله» نزدیک است.

4. بروز و ظهور قیامت به حساب و کتاب اعمال است.

5. متعلق غفلت در آیه شریفه حساب است یعنی مردم از حساب غافل‌اند و در مقابل، متعلق اعراض آیات و انذار انبیاء است که از آن روی گردانند.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] □ المیزان، ج 14، ص: 246.

[2] □ همان.

[3] □ «وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا» اسراء، 67.

[4] □ روح المعانی، ج 9، ص: 8

[5] □ «وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ» مؤمنون 17.

[6] □ روح المعانی، ج 9، ص: 8